

مقایسه سبکهای دلبستگی بیماران مبتلا به اختلالهای مصرف مواد و افراد غیرمبتلا دکتر محمدعلی بشارت، بهاره غفوری، دکتر رضا رستمی*

* گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران

چکیده

سابقه و هدف: هدف اساسی پژوهش حاضر مقایسه سبکهای دلبستگی بیماران مبتلا به اختلالهای مصرف مواد و افراد غیرمبتلا بود. **روش بررسی:** ۲۴۰ آزمودنی داوطلب شامل ۱۲۰ بیمار مبتلا به اختلالهای مصرف مواد افیونی و ۱۲۰ آزمودنی غیرمبتلا در این پژوهش شرکت کردند. از آزمودنیها خواسته شد " پرسشنامه اختلالهای مصرف مواد" و "مقیاس دلبستگی بزرگسال" را تکمیل کنند. برای تحلیل آماری دادههای پژوهش از شاخصها و روشهای آماری شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، آزمون t گروههای مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. **یافتهها:** نتایج پژوهش نشان داد که بین سبکهای دلبستگی بیماران مبتلا به اختلالهای مصرف مواد افیونی و سبکهای دلبستگی افراد غیرمبتلا تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین بین سبکهای دلبستگی ایمن و نالایم با شدت ابتلا به اختلالهای مصرف مواد افیونی به ترتیب همبستگی منفی و مثبت معنی دار وجود داشت. **نتیجه گیری:** بر اساس یافتههای پژوهش، سبکهای دلبستگی می توانند ابتلا به اختلالهای مصرف مواد افیونی را از طریق فرایندهای تعامل خانوادگی، کنترل اجتماعی، تنظیم عواطف و خودکارآمدی تحت تاثیر قرار دهند. **واژگان کلیدی:** نظریه دلبستگی، سبک دلبستگی، اختلال مصرف مواد، اعتیاد.

مقدمه

سوء مصرف مواد متاثر می سازند (۴،۱). گسستگی خانواده، کیفیت روابط والدین- کودک، حمایت والدین و بازخوردها و محدودسازیهای والدین در مورد مصرف مواد نیز از متغیرهای شناخته شده است (۸-۵). یافتههای بالینی مصرف بیشتر مواد را در بین اعضای خانوادههایی که فاقد روابط صمیمی والدین- فرزندان بوده و پیوندهای ایمن را تجربه نکرده اند، تایید می کنند (۹،۱۰).

بالبی (Bowlby) (۱۱-۱۳) فرایند شکل گیری دلبستگی (Attachment) (پیوند عاطفی) نوزاد به مادر را تشریح کرد و نشان داد که تشکیل چنین پیوندی و تجربه امنیت در چارچوب این پیوند سنگ بنای تحول و کنش وری در افراد غیرمبتلا است. از سوی دیگر، تجربه نامنی در رابطه دلبستگی با مشخصه های بی اعتمادی، آسیب پذیری، حساسیت و مشکلات ارتباطی همبستگی دارد. پیرو تحقیقات بالبی در

یافته های پژوهشی نقش بنیادین متغیرهای متعدد مربوط به کنش وری و رفتار خانوادگی را در دو زمینه پیشگیری و پدیدآیی اختلالهای مصرف مواد نشان داده اند (۳-۱). گستره و عمق نفوذ و تاثیرگذاری متغیرهای خانوادگی بر حسب اهمیتشان از زاویه های متفاوت بررسی شده اند. این متغیرها از طریق فرایندهای اجتماعی شدن درون خانوادگی، سرمشق گیری و تقلید از رفتار والدین، تقویت اجتماعی، درونی سازی ارزشها و رفتارهای خانواده و شیوه های کنترل اجتماعی و انضباطی والدین، آمادگی فرزندان را برای مصرف و